

## پنجمین کنگره بین المللی بر علیه فحشا \*

پنجمین کنگره بین المللی برای جلوگیری از داد و ستد بردگان سفید  
در لندن اخیراً بیابان رسیده.

دوشرها، کنشها، اسقفها، کشیها، حاخامها، موران پلیسی  
و همه نوع بشر دوستان بورژوا همگی در [صف] جلو بودند! چه سر رهسای  
کسب و مهمانیهای باشکوه رسی داده شد! و چه سخنرانیهای پرا بهتشی در  
باره صراحت و رسوایی فحشا!

چه وسایل مبارزه‌ای توسط نمایندگان پرسترای بورژوا به کنگره پیشنهاد  
گردید؟ عمدتاً دو میت - منهد و پلیس - چنین بنظر میآید که آنها معتبرتر  
و مؤثرترین آنها برای مبارزه با فحشا هستند.

سبب گزار در خبر گزار " لایبزیگر فولکس تسا پوزنگ " در لندن نماینده  
انگلیسی بدون میبالد که لایحه‌ای برای تنجبه بدنی جاگتان به پارلمان ارائه  
داده است. مؤسسه کنید که این فهرمان مدرن " متعدن " مبارزه علمیه  
فحشا از چه فاعل میباشد!

بنک ماسوی کانادا بی اشتیاق شدیدی به پلیس و نظارت زنان پلیس بر  
زنان " منحرف " ابراز کرده اما در جاشیکه مربوط با فزایی مزدها میشده  
او اظهار داشت که زنان کارگر سزاوار مزد بیشتری نمیشدند.

بنک کشیر آلمانی بمانرها لبزم حاضر که در میان مردم نفوذ کرده و  
گسرم عنق آزاد را تشویق می نماید، ناسزا میگفت.

زمانیکه نماینده اثریش، گارتنر، سعی نمود که علل اجتماعی فحشا،  
ساز و فقری که خانواده‌های طبقه کارگر تجربه میکنند، استثمار کار از  
سجدها، شرایط طاقت فرمای منازل و غیره را بجهان آورد، با فریادهای

حسومت آمیز مجبور بسکوت نرودید!

اما چیزهایی که راجع به نخستینهای عالمفام - در میان مثبت نمایندگان - گفته شده عالی و آموزنده بودند. برای مثال، زمانی که ملکه آلمان از نمایشگاهی در برلین دیدن میکنند، حلقه در انگشتان مادران کودکان "ناشروع" میکنند تا این با حوی عالی تمام از دیدن منظره مادران ازدواج نکرده ناراحت نشود!

از این راه ممکن است سالیوس پور ژوایی منفور را که برای کنسرت های پورژوا - اشرافی حکمرانان و ششهمی نعم - آئینها را با [بملی رنان] بد صحنه بشر دوستی و مدافعین پلیس در این نمایش سرخه فقر و نیاز جمع میسر تا بر علیه فحشاء مبارزه کنند، فحشاتی که دقیقاً توسط اشرافیت و پورژوازی حمایت میشود.

• را بوجاها پراودا •

ع ۱ ۱۲۰ ژوئیه ۱۹۱۲

• کلمات - ج ۱۹

## تولید خرده پایی در کشا ورزی

مسئله دهقانی در ایالات مدرن سرمایه داری بکرات سردرگمی و دودلی در میان مارکسیست‌ها و بیشترین حملات اقتصاد سیاسی بورژوازی (دانشگاهی) بر مارکسیسم را فرونی میبخشد.

مارکسیست‌ها میگویند، در سرمایه داری، تولید چیزی - خرده پایی - در کشا ورزی محکوم به زوال و بطور باور ناکردنی محکوم به وضع فروپاشیده و با بحال شده‌ای میباشد. تولید خرده پایی منکی به سرمایه بزرگ است و در مغایسه با تولید بزرگ کشا ورزی عقب مانده است و تنها بوسیله کاهش اسفناک مصرف و کار پرزحمت و سخت میتواند ادامه یابد. اثلاف و هدر رفتن کار انسانی و بدترین اشکال وابستگی تولیدکنندگان، تحلیل رفتن خانواده، زمین و گله دهقان - این است آنچه سرمایه داری در همه جا برای دهقان در بردارد.

هیچ رستاخیزی برای دهقان بجز پیوستن به فعالیت‌های پرولتاریا عمدتا کارگران مزدگیر وجود ندارد.

برعکس، اقتصاد سیاسی بورژوازی و نارودنیك‌ها<sup>۱۵</sup> و فرصت طلبانیکه از آن دفاع میکنند (گرچه میکنند آنها همیشه از این حقیقت آگاه نباشند)، سعی دارند ثابت نمایند که تولید خرده پایی امکان حیات داشته و با صرفه‌تر از تولید بزرگ است. دهقانی که وضع ثابت و مطمئنی در جامعه سرمایه داری دارد، با بستن بیطرف بورژوازی، نه بخت پرولتاریا گرایش یابد، او نباید به مبارزه طبقاتی کارگران مزدگیر جذب شود، بلکه با بستن کوشش نماید وضع خود را بعنوان بئک مالک و ارباب محکم کند. چنین است مفاد تئوروی اقتصاددانان بورژوازی.

ما می‌کوشیم صحت تئورهای پرولتاری و بورژوازی را با داده‌های دقیق سبأر ما بهم، بگذارید داده‌های درباره کار زنان در کشا ورزی در اثرش و

آلمان را در نظر بگیریم . داده‌های کامل برای روسیه هنوز موجود نیست زیرا دولت مایل نیست همه مؤسسات کثا ورزی را بر اساس علمی سرشماری نماید . در اتریش و بنا بر سرشماری ۱۹۰۲ و از ۹,۰۷۰,۶۸۲ نفر شاغل در کثا ورزی ۲,۲۳۹,۸۱۰ یا ۲۸۸/۷ زن بودند . در آلمان و جاشیکه سرما به داری بسیار بیشتر - فته تراست . زنان اکثریت کسانی را که بکثا ورزی اشتغال دارند تشکیل می‌دهند . ۵۱/۸ درصد هر چه سرما به داری بیشتر در کثا ورزی توسعه یافته ، بیشتر کارگر زن استخدام مینمایند . عبارت دیگر ، شرایط رهنموده‌های کارگر را بدتسر میکنند . زنان شاغل در صنعت آلمان ۲۵ درصد کل نیروی کار را می‌سازند ، اما در کثا ورزی آنها بیشتر از ۵۰ درصد را تشکیل می‌دهند . این نشان میدهد که صنعت بهترین [نیروی] کار را جذب کرده و ضعف‌ها را در کثا ورزی میگذارد . هم اکنون در کشورهای سرما به داری توسعه یافته ، کثا ورزی عمدتاً غسل زنان شده است .

اگر ما آمار مزارع با مساحت‌های مختلف را بیآزمائیم خواهیم دید که معمولاً در تولید خرده یا پیر است که نسبتاً استثمار کار زن زیاده‌تر است . از طرف دیگر حتی در کثا ورزی ، تولید سرما به داری بزرگ عمدتاً کارگر مرد استخدام مینمایند ، گرچه در این مورد به‌های کارخانه‌ها فرسوده است .

در زیر مقایسه ارقام مربوط به اتریش و آلمان می‌آید :

| نوع مزرعه      | گروه بنا به مساحت مزرعه و هکتار                 | درصد زنان شاغل اتریش | درصد زنان شاغل آلمان |
|----------------|---|----------------------|----------------------|
| پرولتاری       | تا ۱ هکتار<br>۱ تا ۲ هکتار<br>۲ تا ۳ هکتار      | ۵۲/۰<br>۵۰/۹         | ۷۱/۱<br>۶۵/۷۲        |
| مفکانی         | ۲ تا ۵ هکتار<br>۵ تا ۱۰ هکتار<br>۱۰ تا ۲۰ هکتار | ۴۹/۶<br>۴۸/۵<br>۴۸/۶ | ۵۱/۱<br>۵۰/۲<br>۴۸/۴ |
| سرما به داری   | ۲۰ تا ۱۰۰ هکتار<br>۱۰۰ و بیشتر                  | ۴۶/۶<br>۲۷/۴         | ۴۴/۸<br>۴۱/۰         |
| برای همه مزارع | .....   | ۴۸/۷                 | ۵۱/۸                 |

در هر دو کشوره ماء عمل همان قاسور کتا ورری سرما به داری را مشاهده  
 میکنیم . هر چه مقیاس تولید کوچکتر باشد ترکیب نیروی کار کم قوه تسیر  
 سوده ، و تعداد زنان در ثلث رقم افراد شاعل در کتا ورری بیشتر است .  
 وضع کلی تحت سرما به داری این چنین است . در مزارع پرولتاریه یعنی  
 آنها ننگه صاحبان عمدتا بوسيله کار مزدی ( کارگران کتا ورزی و تارگران  
 روز سرد و کارگران مزدگیر بطور عام که قطعه زمین جزئی دارند ) میربندند  
 نهی نا مقدار خیلی زیادی و کار زن بر کار مرد میچربد .

نماید فراموش شود که تعداد این مزارع پرولتاریه با کارگری بسیار  
 زیاد است . در اتریش آنها ۱,۳۰۰,۰۰۰ از کل ۲,۸۰۰,۰۰۰ مزرعه و  
 در آلمان آنها حتی ۳,۴۰۰,۰۰۰ از کل ۵,۲۰۰,۰۰۰ میباشد .

در مزارع دهقانی کارگر زن و مرد تقریبا به نسبت مساوی استخدام میشوند .  
 با نگره و در مزارع سرما به داری و تعداد کارگران مرد بر کارگران زن میچربد .  
 این به چه معنی است ؟

این بدان معنی است که ترکیب نیروی کار در تولید خرده باسی  
 ضعیفتر از تولید بزرگ سرما به داری است .

این بدان معنی است که در کتا ورزی کارگر زن - زن پرولتاری و زن  
 دهقانی - باید هر چه بیشتر تلاش کند ، باید بینهایت بحود فشار آورده باشد  
 مساعی کارگر به زبان سلامتی خود و فرزندانش زحمت بکشد ، برای آنکه تا حد  
 امکن به کارگر مرد در تولید بزرگ سرما به داری برسد .

این بدان معنی است که تحت سرما به داری و تولید خرده باسی تنها با  
سهره کشی بیشتر از مقدار کار کارگران اسمه میباشد تسا در تولید  
 بزرگ .

نعمان بیشتر گرفتار است . بیشتر در سور پیچیده وابستگی سرما به داری  
 گره خورده است تا کارگر مزدگیر . او فکر میکند که مستقل است ، که میتواند  
 " خوب بگرداند " ولی در حقیقت ، برای ادامه و او باید تحت تر از کارگر  
 مرد نیز ( برای سرما به ) کار کند .

ارقام درباره کار حربالان در کشاورزی اینرا با وضوح بیشتری ثابت  
 میکند (لنبن ۵ - کلمات ۳ - مج ۱۹ ص ۱۲ - ۲۰۹) ترا بوجا با پرا دیا ۳ ص ۱۸۵۵ از ژونیه  
 ۱۹۱۲

## به اینسا آرماند

دوست عزیزه

رهمود من بنما اینست که طرح مزده انان<sup>۱۱</sup> را مفلتر نفوسیده در غیر اینصورت چیزهای زیادی مبهم میماند.

من مجبورم نکته‌های را مرتباً بیان کنم. - بنما پیشنهاد میکنم مرتباً بعضی ۴ = مطالبه (ار نظر زنان) برای عشق آزاد را حذف کنید.

در حقیقت، این يك مطالبه بورژوازی و نه پرولناری است. حقیقتاً منظورشان از آن چیست؟ چه چیزی از آن میتوان فهمید؟

۱- آزادی از معظورات مادی (مالی) در عشق؟

۲- بهمین نسبت از ملاحظات مادی؟

۳- از تعصبات مذهبی؟

۴- از حکم تحمیل شده توسط پدر و غیره؟

۵- از تعصبات "جامعه"؟

۶- از حمارندگ محیط (تعقباتی با خرده بورژوازی یا بورژوازی-روشنفکری)؟

۷- از موانع قانونی و دادگاه و پلیس؟

۸- از حدی بودن در عشق؟

۹- از تولد بچه؟

۱۰- آزادی در زنا و غیره؟

من بسیاری (البته نه تمام) مابعدروشنهای معانی [آرا] ردیف کرده‌ام. البته، منظور شما شماره‌های ۱۰-۸ نبوده، بلکه ۱-۲ یا چیزی شبیه شماره‌های ۱-۲ میباشد.

یا برای شماره‌های ۱-۲ تعریبی دیگر نباید اجتناب شود، زیرا عشق آراد این را دقیقاً بیان نمیکند.

و برای فائلبه مردم، حتی برعکس مهمل شما، خوانندگان منظور اجتناب

ناپذیر معنی « عشق آزاد » را بطور عام چیزی در جهت خطوط شماره‌های ۱۰-۸  
تفہیم میکنند.

دقیقا بدین دلیل که در جامعه مدرن مطالبه « افتخار فوقانی » یا بر حرفس و  
سروصدا و مطالبه برای عشق آزاد بوزوایی و نه پرولتاری می باشد.  
شماره‌های ۱ و ۲ برای پرولتاریا مهمترین هستند و بعد شماره‌های ۷-۱،  
البته این از نظر صحت، « عشق آزاد » نیست.

چه چیزی شما « نهنا از آن میخواهید بفهمید » مهم نیست. چیزی که  
مهم است منطق عینی [ابزکتیو] مناسبات طبقاتی در امور عشقی است.  
استان را دوستانه میفشارم!

در برن در ۱۷ ژانویه ۱۹۱۵ نوشته شد.  
اولین بار در ۱۹۳۹ در مجله « بلشویک »  
در ۱۳ منتشر گردید.

« کلمات » ج ۳۵

---

« آغاز و پایان نامه را لین به انگلیسی نوشته است »

## به اینسا آرماند\*

دوست عزیزه

مرا ببخشید از اینکه چنین دیر پاسخ میدهم. دیروز در نظر داشتم پاسخ بدم، اما بسیار گرفتار بودم و وقت برای نوشتن نداشتم. در مورد طرح جزوه اتان، من معتقد بودم که «مطالبه برای عشق آزاد» واضح نبود، و اینکه شما میخواستید با نه (من اینرا با گفتن «این بسک مسئله عینی مناسبات طبقاتی است» نه خواسته های ذهنی شما» تا کهید کردم) این مطالبه ای بورژوازی و نه پرولتاری در صحنه اجتماعی این عصر است. شما با این مخالفید.

بسیار خوب، اجازه بدهید مسئله را دوباره در نظر بگیریم. برای روشن شدن آنچه مبهم است، من حدود ده تفسیر مختلف ممکن و گریزنسما-پذیر در شرایط معاشی طبقاتی را داده و اشاره کردم که تفسیرهای ۲-۱۰، بمقیده من، تیبیک با مشخصه زنان پرولتاری اند، در حالیکه تفسیرهای ۱-۸ تیبیک با مشخصه زنان بورژوازی اند.

اگر شما مایل به تکذیب این بودید، با بستی نخست نشان میدادید، که این تفاسیر صحیح نیستند (و سپس با بستی تفاسیر دیگری را ارائه مینمودید یا به تفسیرهای غلط اشاره میکردید) یا دوم، آنها با نا کامل اند (و سپس با بستی جا افتاده ها را میافزودید) یا سوم، تقسیم تفاسیر به پرولتاری و بورژوازی با سال من تفاوت دارند.

شما هیچیک از این سه را انجام ندادید. شما نکات ۱-۲ را بهیچوجه ذکر نمیکنید. لذا، شما قبول میکنید که آنها (در مجموع) صحیح هستند؟ (آنچه شما راجع به بحث در میان زنان پرو-



لتاری و وابستگی آنها = غیر ممکن بودن گفتن نه = مینویسید کاملاً مناسب با نکات ۲-۱ است. در اینجا هیچ دلیلی برای عدم توافق بین ما با فست (نمیباشد).

و همینطور شما انکار نمیکنید که آن تفسیری پرولتاری است.  
اکنون نکات ۱۰-۸ باقی میمانند.

شما آنها را = کاملاً درک نمیکنید = و این = اعتراض = را مطرح میکنید:  
= من نمیدانم چگونه فردی مینواند (دقیقاً آنچه شما نوشتید!) عشق آزاد را با = نکته = ۱۰ = یکی بگیرد (!!!؟؟) = ...

و لذا = من اینرا با دیگری = یکی میگیرم = و شما قصد دارید مرا بخاطر آن خرد و نابود کنید.  
چرا؟ برای چه؟

عشق آزاد برای زنان بورژوازی نکات ۱۰-۸ را معنی میدهد و این نیز من است.

شما چنین تزییرا رد میکنید؟ پس بگوئید با نوان بورژوازی منظورشان از عشق آزاد چیست.

شما در این مورد سکوت اختیار میکنید. ولی آیا ادبیات و زندگی حقیقی ثابت میکنند که این دقیقاً همان است که منظور زنان بورژوازی است؟ آنها اینرا تماماً ثابت میکنند. شما آرا بطور معنی قبول دارید.

و اگر چنین است، این مربوط به موضع منقانی آنهاست و = تکذیب = آن معنی امکان داشته و تا حدی کونا به بنامه میباشد.

مغله نظر پرولتاری باید بروشنی از آنها متمایز گشته و با آنها در تقابل قرار گیرد. شما با پستی این حقیقت عیبی را بخاطر داشته باشید که

در عبر اینصورت آنها عبارات مناسب را از زمینه [آنها] قلموه کن میکنند. آرا متریب و خوشان تفسیر میکنند و جزوه شما را به گندمی برای آنها پ

[همه ای برای احای] خوشان تبدیل مینمایند، آنها ایده های شما را در انتظار کارگران تعریف کرده و آنها را = گنج = میکنند.

ز ما متعبر کردن آنها که گویا این ایده های میگانه نیست که شما از آنها مدامه میکنید. و آنها روزنامه ها، و غیره فراوان دارند.

و شما کاملاً بقله نذر عینی و لطیفانی را فراموش کرده و بمن "حمله" میکنید و مرا متهم به "یکی گرفتن" عشق آزاد با نکات ۱۰-۸ میکنید. عجیبات محلی عجیب در واقع.....

"حنی بك عشق و شور زود گنر ناب تر و شاعرانه تر" از "بوسه های بدون عشق" (مبذل و محلی مبذل) افراد متاهل میباشد. این است آنچه شما میخواهید. این است آنچه شما در جزوه اتان خواهید نوشت. بسیار خوب. آیا این يك آنتی تر منطقی است؟ بوسه های بدون عشق بین افراد متاهل مبذل و کثیف اند. موافقم. آنها با بستی در تقابل با... با چه قسرا ر گهرند؟ ظاهراً جواب با بستی: با بوسه های عاشقانه. شما در تقابل با آن "شور" (چرا عشق نه؟) "زود گنر" (چرا رود گنر؟) را می آورید! از این بطور منطقی چنین نتیجه گیری میشود که بوسه های بدون عشق (زود گنر) در تقابل با بوسه های بدون عشق ازدواجی قرار میگیرند... عجب بهتر نمود در جزوه ای مردم پسند ازدواج بدون عشق مبذل و کثیف کرده بورژوازی و روشنفکرانه با دهقانی (فکر میکنم نکته ۱ یا ۵ من) در تقابل با ازدواج مدنی پرولناری با عشق قرار گیرد (و اضافه خود که اگر بخواهی وارد بشوی به بک ماجرای شورانگیز زود گنر میتواند هم باک و هم کثیف باشد). شما در جزوه اتان نه تیبهای لطیفاتی بلکه چیزی در ماهیت "موارد فردی" را در مقابل هم میگذارید که البته امکان بدبر است. اما آیا این مسئله ای از موارد فردی است؟ موضوع بك مورد جدا گانه و فردی بوسه های کثیف در ازدواج و بوسه های باک در بك عشق زود گنر با بستی در بك داستان پرورانده شود (زیرا اینجا نماینده در صحنه فردی در تحلیل شخصیتها و روانشناسی تیبهای معین است). اما در بك حروه؟

شما کاملاً نکته مرا راجع به نامناسب بودن نقل قول از کی خوب در ك کرده اید. چون شما میگویید "پوچ" است که زل "پرفسوران عشق" را بازی کرده دقیقاً. و اما راجع به زل پرفسوران [عشق] زود گنر و غیره چطور؟ حقیقتاً آخرین چیزی که من میخواهم بگویم است. من هر سندانه نوشتن این نامه را مشوق میکنم و مطلب را موکول به صحبت با شما میکنم. اما من میخواهم که آن جزوه خوبی باشد بطوریکه هیچکس نتواند عبارات آسرا

سحرر شما قلوبه کن کند ( گاهی يك عبارت کافیت که همه چیز را خراب کند... )  
 و منتر شما را مفلس تفسیر نماید. من ملتمن هستم که شما اینرا هم " از روی  
 سهو " بوشنید و من این نامه را میفرستم زیرا مکاتبه و بهتر از صحبت و مسکنیت  
 شما را معبور سازد که عمیق تر در طرح جزوه و کسه چیزی بسیار مهم  
 است و غیر کنید.

آیا در میان زنان آشنای خوبين يك سوسيا لمت فرانسوی سراغ ندارید؟  
 نکات ۱۰-۱۱ را و مطالب خودتان را راجع به زودگیری و غیره برای او ترجمه  
 کنید ( مثلا به انگلیسی ) و با او توجه کرده و دقیقا با او گوش کنید. آزمايش  
 کوچکی را راه بیانندازید و بجهت بیرونی ها چه میگویند و برداشتهای آنها  
 و نیز آنچه را از جزوه شما انتظار دارند و دریا بید.

سنتان را میفشارم و عواضات سردردهای

کمتر و بهبودی سریعتر برایتان هستم .

و. ا. و.

سراسر از انوبه ۱۹۱۵ در برن نوشته شد و

نخست در ۱۹۲۹ در " بلنویک " نشر ۱۳ منتشر

گردید.

• کلمات • • ح ۲۵

## از " کاریکا توری از مارکسیزم و اکونومیسم امپریالیستی "

پ. کیفیتکی تفاوت بین شعارها و " معنی " را آنکه از بلبیدها و سیاسی و بلبیدها و اقتصادی برده بر میدارد و درك نمیکند. این تفاوت در این حقیقت نهفته است که روبنای سیاسی هرچه میخواهد باشد هرچی بلبیدها و اقتصادی بخشی از همین سرما به داری هستند و عبرممکنست که آنها را از نظر اقتصادی بدون این بردن خوب سرما به داری از بین برد. حتی يك نمونه هم نمیتوان آورد که اینرا رد نماید. از سوی دیگر بلبیدها و سیاسی نما یا نگر دوری از دمکراسی هستند که از نظر اقتصادی " بر اساس سببم موجود " یعنی سرما به داری و کاملاً مکان بدهر است و از طریق استثنا " تحت سرما به داری - برخی حملهها [بخر] در يك کشور و با برجستهها در کشوری دیگر - اجرا میشود با رهم هجیری که مولف موفق به دركش نیست و دقیقاً شرایط بنیادین لازم برای اجرای دمکراسی منور عام است!

همین امر شامل مسئله طلاق [هم] میشود. خواننده بخاطر خواهد آورد که این نخست توسط روزا لوکزا مبورگ در بحث مسئله ملی مطرح گردید. او این عقیده که ملاموجه را بیان نمود که اگر ما خود مختاری در يك دولت (برای يك منطقه مناسبه معین و غیره) را تأیید کنیم ما بدست آوردن وسیله دمکراتیکها (برای يك منطقه مناسبه معین و غیره) را مایل ملی عمده - و قانون طلاق یکی از آنهاست - با پستی در اختیار حکومت مرکزی و مجلس مرکزی باشد. این نمونه بروشنی نما یزگر ایست که کسی نمیتواند يك دمکرات و سوسیالیست با غیب دون آنکه آزادی کامل طلاق را اکنون مهاله کند. زیرا عدم چنین آزادی معنی افزون برجش [کس] نموده است. گرچه درك این موضوع بمعنی آن نیست که شناختن این آزادی برای ترك شوهر یعنی باشد برای آنکه همه همراگان بچنین کاری دست برندارند!

پ. کیفیتکی اعتراض میکند:

" اگر او نتواند در چنین مواردی [عواصت همسر به ترك شوهر] از حقوق خود عملاً استفاده کند با اگر استفاده عملی از آن مستلزم رضایت اشخاص ثالثیه باشد از این هم بدتره مستلزم رضایت مستمعان مورد صحبتی باشد -

تنگاه ایس عمو [خلق] سه چه چیز شباهت دارد؟ آه...  
 ما ارادتی جینیسی حقیقی پیشانی  
 میبینیم؟ الله نه!

چنین اعتراضی عدم درك کامل از رابطه بین دمکراسی بطور عام و سرمایه-  
 داری را آشکار کرده. «اراده» شرايطی که «اجرای» حقوق دمکراتیک را برای طبقات  
 ضعیف دیده غیرممکن میسازد و تحت سرمایه داری مواردی استثنایی نیستند بلکه  
 حصصا بین سیستم هستند. در بیشتر موارد حق طلاق تحت سرمایه داری تحقق نا پذیر  
 است. زیرا جنس [کس] تمهیده تحت انقیاد اقتصادی است. مهم نیست تا چه  
 حد دمکراسی تحت سرمایه داری موجود باشد زن يك «برده خانگی» و برده ای  
 رنجبرنده به اطالی خواب و بجه داری و آشپزخانه باقی میماند. حق انتخاب  
 فمات خلق و ما موران و معلمان مدرسه و وهنیت منصفه و غیره خودشان و  
 تحت سرمایه داری در بیشتر موارد دقیقا مدلی انقیاد اقتصادی کارگران و  
 دهقانان و تحقق نا پذیر است. همین شامل جمهوری دمکراتیک [هم] میشود.  
 سرمایه ما آسرا میسازد. حکومت بسوی خلق تهریف میسازد گرچه همیشه  
 سیال - دمکراتیکها کاملا بغوی میدانند که تحت سرمایه داری و حتی در دمکراسی  
 انبک ترین جمهوری و ارتقای ما موران توسط بورژوازی و اتحاد بورس و حکومت  
 حتما وجود دارد.

تنها گمانیکه نمیتواند درست فکر کند با دانش ما رکیبم ندارند این  
 نور منعمه میگردند. بنا بر این بهبوده است که جمهوری داشته باشیم و آزادی  
 خلق بهبوده است. دمکراسی بهبوده است، خودمختاری ملیتها بهبوده  
 است! اما مارکسیستها میدانند که دمکراسی ضعیف طبقاتی را ایجاد میکند.  
 تنها مبارزه طبقاتی را مستقیم تره وسیع تره علمی تره و منظم تره میسازد و آن  
 چیزی است که ما بسیار داریم. هرچه آزادی طلاق کاملتر باشد زنان روشن تر میبینند  
 که منبع «سودگی خانگی» آنها سرمایه داری است نه ندانشن حقوق. هر چه  
 سهم جنومنی دمکراتیک تر باشد کارگران روشن تر خواهند دید که ریشه  
 پشیدی سرمایه داری است نه ندانشن حقوق. هر چه مساوات ملی کاملتر باشد  
 (و این بدون آزادی تجزیه کامل نیست) کارگران ملل تمهیده روشنتر خواهند  
 دید که علت عدم آنها سرمایه داری است نه ندانشن حقوق و غیره.

باید دوباره و دوباره گفته شود: باعث شرمندگی است که محمور شویم  
 العباي مارکبم را بطلبیم و لی چه مسواں نرد وفتی کیفکی آرا نمیدانند؟  
 ا و طلاق را ندرسا بهمان ترفیضی مورد بحث فرار میدهد که یکی از  
 دبیران کمیته سازمانده ۱۷ در خارج و حکوفسکی و اگر درست بماند بیآورم در  
 • کولوس ۱۸ • پاریس و آرا مورد بحث فرار داد. نحوه استدلال وی این بود که  
 آزادی طلاق دعوتی برای همه همراهن به ترک شوهران است که صحیح است و  
 اما اگر به مادام ثابت شود که هم شوهران دیگر بهتر از شوهران بدان میباشد  
 آنگاه همان آفرات و همان گاه !!

حکوفسکی با انتخاب این نحوه استدلال فراموش کرده که وسواس فکر کردن،  
 نفس اصول سوسیالیستی با دمکراتیک نیست. اگر حکوفسکی به زنی میگفت که  
 همه شوهرهای دیگر بهتر از مال او هستند، هیچکس اینرا نفس اصول دمکراتیک  
 بحساب نمیآورد. موفتر مردم میکنند: در حربی برر شما به وسواسهای بررگی  
 هم باشد! اما اگر حکوفسکی اینرا بکله فراموش کند که مسواں یک دمکرات  
 از شخصی دفاع میکند که مخالف آزادی طلاق است و برای مثال به دادگاهها و  
 پلیس با کلیت برای جلوگیری از ترک همسر رجوع کرده است، ما مطمئن هستیم که  
 حتی بیشتر همردیفان حکوفسکی در مقام دبیری در خارج و ولو آنکه سوسیال-  
 لیستها و نازکدلی هستند از پشتیبانی او خودداری مینمودند.

اما حکوفسکی و کیفسکی در • بحث • طلاق حوده مسئله را ترک نکرده اند  
 و از بررسی جوهر آن، یعنی اینکه تحت سرما به داری حق طلاق بدون استثنا • مثل همه  
 حقوق دمکراتیک دیگر، شروط و محدودیتها و تشریفات و سنگ و فوالعاده مشکلی  
 برای تحقق است و خودداری میکنند. ولی هیچ سوسیال دمکرات شریعی را که  
 مخالف حق طلاق باشد، دمکرات و چه رسد به یک سوسیالیست و فلماذ میکند.  
 این لب مطلب است. همه • دمکراسی • از اعلام و تحقق • حقوق • تشکیلند و

که تحت سرمایه‌داری فقط تا حد خیلی کمی و آنهم بطور نسبی تحقق پذیر است.  
 اما بدون اعلام این حقوق بدون مبارزه برای کاربرد آنها از هم‌اکنون و به  
 صورت و بدون تربیت روحیه مبارزه‌جویانه نوده‌ها • سوسیالیسم غیر ممکن است •

در اوت - اکتبر ۱۹۱۶ نوشته شد •

اولین بار در "سوزدا" شماره ۱۶۱

۱۹۲۶ منتشر شد •

• کلیات • ج ۳

از "وظایف تسیمروا لدیستهای چپ در

حزب سوسیال - دمکرات سوئیس" ۱۹

سوم • رفرمهای مبرم دمکراتیک و بهره برداری از مبارزه سیاسی و پارلماننقا -  
 ریم •

۱۷ - الماء بدون استثنای همه محدودیت‌های حقوق سیاسی زنان در مقایسه با  
 حقوق مردان • بایستی برای توده‌ها تشریح شود که چرا این رفرم بویژه در حال  
 حاضر - در زمانیکه جنگ و هزینه زیاد زندگی افکار توده‌های وسیعی را خطریب  
 ساخته و بعموم علاقه و توجه زنان را به سیاست برانگیخته است - مبرم است •

در اواخر اکتبر و اوایل نوامبر

۱۹۱۶ نوشته شد •

اولین بار به فرانسه بصورت

جزوه‌ای در ۱۹۱۸ منتشر گردید •

• کلیات • ج ۳

## از "وظایف پرولتاریا در انقلاب ما"

۱۲. فرار دادن مجلس خلق بجای پلیس زفرمی است که دنباله جریان کامل انقلاب است و هم اکنون در بیشتر قسمتها یروجه اجرا شده است. ما بایستی برای مردم تشریح کنیم که در بیشتر انقلابهای بورژوازی نوع معموله ایمن مردم همیشه بسیار رود گذر بوده و بورژوازی - حتی دمکراتیک ترین و جمهوری - واه ترین - پلیس قدیمی و نوع نزاربستی یعنی پلیس جدا از مردم و فرمانبردار بورژوازی و مستعد برای هرگونه ستیزگی بمردم را احیا کرده است.

تنها بکراه است که از احیاء پلیس جلوگیری میکنند و آن آنرا یعنی پلیس خلق و آنگاه آن را ارتش میباشد (تسلیم همگانی مردم بجای ارتش شمسوی). خدمت در این مجلس باید همه انواع از هر دو جنس بین سنین ۱۵ و ۶۵ سالگی را بدون استثنا در برگیردهاگر ما این پیشنهاد آرمایشی را مورد حیثیتی بشود شرکت افراد جوان و پسر را ابراز کرده سرما به داران باید حقوق کارگران و مستخدمین و غیره را برای روزهای که به خدمت عمومی در پلیس مسئولند و بهر دازنده تا زنان نه تنها شرکت مستقل در زندگی سیاسی بطور کلی و بلکه همچنین به خدمت عمومی و همه جانبه و روانه آورده نشوند، سی فایده است که درباره دمکراسی کامل و یا بداره سوسیالیزم به کناره گفتگو بود. باره ای وظایف "پلیس" چون مواظبت بیمار[ان] و بچه های بی خانمانه با زرمی غذا و غیره و هرگز رسالت بختانه با انعام نخواهد رسید مگر زنان بر مساوات و تضییع لغتی بلکه حقیقی و با مردان قرار گیرند.

وظایفی که پرولتاریا بمنظور مراقبت و استحکام و توسعه انقلاب بایستی بهمین روی مردم بگذارد جلوگیری از احیاء پلیس و جلب نیروی تشکیلاتی تمام مردم در تشکیل مجلس میباشد.

نخستین رساله مبر ۱۹۱۲ بعنوان جزوه ای

نویسندگان "پرهیوی" منتشر

گردیدند.

• کلیات • ج ۲۸



از " مطالب مربوط به تجدیدنظر در برنامه حزب "

- ۱) احسانه جمهوری دمکراتیک روس با بنی [ابنیا] را نامین نمایند :
- ۱) حکومت مردم : قدرت عالی در دولت باید کاملاً به نمایندگان مردم واگذار گردد [نمایندگانی] که توسط مردم انتخاب خواهند شد و در هر رماسی مسئول احصا بوده و مجلسی واحد مجلس خلقی واحد را تشکیل مینهند.
- ۱) حکومت مردم یعنی : تمرکز قدرت عالی دولتی در دست مجلس مقننه که شامل نمایندگان مردم بوده و متشکل در مجلسی واحد باشد.
- ۲) حد رای عمومی و مساوی و منقسم برای همه اتباع - زن و مرد بیکه سن ۲۰ سالگی رسیده اند - در انتخابات مجلس مقننه و ارکان مختلف حکومت خود مختار محلی : رای محلی : حق هر رای بدهنده برای انتخاب شدن در هر شورای نمایندگی : پارلمانهای دو ساله : پرداخت حقوق به نمایندگان مردم : نمایندگی بسنت [احاد] در تمام انتخابات در هر زمان احصا بدون استثنای همه وکلا و ما - موران منتخب یا تصحیح اکثریت انتخاب کنندگان.
- ۳) حکومت خود مختار محلی در مقیاس وسیع : حکومت خود مختار منطقه ای در محلیایی که ترکیب جمعیت و شرایط زندگی و اجتماعی ماهیت ویژه ای دارند : العی همه مقننات تحت تسلط دولتی محلی و منطقه ای .
- ۴) عدم تجاوز به [حقوق] فرد و مسکن .
- ۵) آزادی نامحدود آگاهی ، بیان ، مطبوعات ، تجمع ، اعتصابات و انجمن .
- ۶) آزادی تغییر مکان و شغل .
- ۷) العای املاک حاکمه : تساوی حقوق برای همه اتباع صرف نظر از جنس ، عقیده ، نژاد یا ملیت .
- ۸) حق اهالی در مدارس بمنظور کسب آموزش بزبان بومی شان به هزینه - - - - - ارثیهای دولتی و محلی حکومت خود مختار : حق استفاده هر یک از اتباع از زبان بومی اثر در جلسات : استفاده زبان بومی هم سطح با زبان رسمی در همه موسسات

عمومی محلی و دولتی و الغای زبان رسمی اجباری \*

(۹) حق خودمختاری برای همه ملیتها و عصور دولت \*

(۱۰) حق تمام ملیتها و عضو دولت در حدایی آزادانه و تشکیل دولتها و مستقله

جمهوری ملت روس باید سایر ملل با ملیتها را نه بزور بلکه مستحرا با

موافقت داوطلبانه برای تشکیل دولتی مشترک فراهمخواند وحدت و اتحادی برادر

را نه کارگران همه کشورها با استفاده از زور و مستقیم یا غیرمستقیم بر

حد سایر ملیتها و منافات دارد \*

(۱۰) حق همه انعام برای انعام و حارث از هر ما موری طبق مقررات در برابر همك

هویت منصفه \*

(۱۱) انتخاب قضاات توسط مردم \*

(۱۱) انتخاب قضاات و سایر ماموران و مدنی و نظامی و توسط مردم با حق احضار

هر يك از آنها در هر زمانی با تصمیم اکثریت انتخاب کنندگان \*

(۱۲) عمومی ارتش دائم بوسیله تسلیم همگانی خلق \*

(۱۲) عمومی پلیس و ارتش دائم بوسیله تسلیم همگانی خلق در یافت دستمزد مقرر

از سرمایه داران برای اوقاتی که کارگران و سایر کارمندان به خدمت عمومی در

میلیس خلق مهیا دارند \*

(۱۳) تفکیک کلیها از دولت و مدارس از کلیها \* مدارس باید مطلقا غیرمنجسی

[عرفی] باشند \*

(۱۴) آموزش اجباری و رایگان عمومی و صنعتی برای همه بچههای پسر و دختر تا

۱۱ سالگی و تهیه غذا و لباس و لوازم مدرسه به هزینه دولت برای بچههای

فقیر \*

(۱۵) آموزش اجباری و رایگان عمومی و پلی تکنیکی (بناظر آشنا کردن دانش

آموزان با جنبه های ثنوری و عملی مهمترین حوزه های تولید) برای تمام بچه

های پسر و دختر تا ۱۱ سالگی \* همچون نزدیک تربیت بچهها با کار مولد اجتماعی \*

(۱۵) تهیه غذا و لباس و لوازم مدرسه برای همه دانش آموزان به هزینه دولت \*

(۱۶) اداره آموزش عمومی توسط ارگانهای حکومت خودمختار محلی که بطور دمکراتیک

انتخاب شده اند \* عدم اجازه فعالیت دولت مرکزی در ترتیب برنامه رسمی مدارس

با در انتخاب کادر آموزشی \* انتخاب معلمین و منتقما از جانب مردم با حق

برکناری معلمین ناشایسته توسط مردم \*

بمعنوان شرط اساسی برای دمکراتیزه کردن اقتصاد ملی کشورمان و حزب  
سوسیالی - دمکراتیک کار روسیه الفای همه مالیاتهای غیر مستقیم و برقراری  
مالیات تصاعدی بر درآمد و ارث را مطالبه میکنند.

سطح بالای توسعه سرمایه داری که هم اکنون در امور بانکی و ترستی -  
های تراست شده صنعت بدست آمده و از یکسو و وقفه اقتصادی بعزت جنگ  
امیر بالستی که همه جا مطالبه ی کنترل دولتی و عمومی را بر تولید و توزیع  
تمام محصولات عمده موجب میشود و از سوی دیگر حزب را به مطالبه صلی  
کردن بانکها و خدیکها ( تراستها ) و غیره وادار میکند.

برای پیشگیری از سیر فقرا بی جسمی و روحی طبقه کارگر و توسعه  
توانا بی او به ادامه مبارزه برای آزادی و حزب مطالبات [زیر] را می نماید:  
۱) هشت ساعت کار روزانه برای همه کارگران مزدگیر.

۱) هشت ساعت کار روزانه برای همه کارگران مزدگیر معادل یک نفر برای صرف غذا  
که کمتر از یک ساعت نباشد در مواردی که کار مداوم است. برصنایع خطرناک و غیر  
بهداشتی کار روزانه باید به ۴ تا ۶ ساعت تقلیل یابد.

۲) مدت استراحت غیر منقطع هفتگی مقرر [از طریق نظامنامه کار] برای همه کارگران  
مزدگیر زن و مرد در همه رشته های اقتصادی ملی که کمتر از ۴۲ ساعت نباشد.  
۳) منع کامل اضافه کار.

۴) منع کار شبانه ( از ساعت ۹ شب تا ۶ صبح ) در تمام رشته های اقتصادی ملی  
بجز مواردی که بدلائل فنی از طرف سازمانهای کارگری مطلقا ضروری تشخیص داده  
شده باشند.

۵) منع کار شبانه ( از ساعت ۸ شب تا ۶ صبح ) در تمام رشته های اقتصادی ملی بجز  
مواردی که بدلائل فنی از طرف سازمانهای کارگری مطلقا ضروری تشخیص داده شده  
باشند و مهذا مشروط باینکه کار شبانه از ۴ ساعت تجاوز نکند.

۶) منع استخدام کودکان مدرسه ای (کمتر از ۱۶ سال) و محدود کردن کار روزانه  
جوانان (از ۱۶ تا ۱۸ سال) به ۶ ساعت.

۷) منع استخدام کودکان مدرسه ای (کمتر از ۱۶ سال) و محدود کردن کار روزانه جوانان  
از ۱۶ تا ۲۰ سال به ۶ ساعت و منع استخدام جوانان در کار شبانه. بنابراین معادن

در سر بهداشتی.

۶) منع زنان کارگر در همه رشته‌های صنعت مضر سلامتی زنان و مرخصی زنان از کار ۶ هفته قبل و ۶ هفته بعد از تولد نوزاد بدون از دست دادن حقوق.

۶) منع زنان کارگر در همه رشته‌های صنعت مضر سلامتی زنان و منع کارخانه‌ها برای زنان و مرخصی زنان از کار ۸ هفته قبل و ۸ هفته بعد از تولد نوزاد بدون از دست دادن حقوق و با کمکهای پزشکی و دارویی رایگان.

۷) تاسیس شیرخوارگاه‌ها برای نوزادان و نونهالان در همه کارخانه‌ها و بنگاه‌ها همچنین زنانرا استخدام کرده‌اند؛ دادن حداقل نیمساعت تنفس به زنان شیرده به فواصلی که کمتر از ۶ ساعت نباشد.

۷) تاسیس شیرخوارگاه‌ها برای نوزادان و نونهالان و اطلاقهایی برای مادران شیرده در همه کارخانه‌ها و سایر بنگاه‌ها بهر که زنانرا استخدام کرده‌اند؛ دادن حداقل نیمساعت تنفس به زنان شیرده بفواصلی که کمتر از ۶ ساعت نباشد؛ در یافتن مزایای شیردهی برای چنین مادرانی و کاهش ساعات کار روزانه‌ها به ۶ ساعت.

۸) بیمه دولتی برای کارگران عامل کهولت و از کار افتادگی کلی با جزیی و از صندوق مخصوصی که با مالیات مخصوصی بر ما به داران تشکیل می‌شود.

۸) بیمه کل اجتماعی کارگران.

الف) برای همه نوع کارگر مزدگیر؟

ب) برای همه نوع از کار افتادگی، یعنی بیماری‌های زخمی‌شدن‌ها توانایی، بیماری، امراض عقلی و تولد نوزاده بیوه‌گی و یتیمی و هم چنین بیکاری و غیره؟

پ) همه موکات بیمه کاملاً توسط خود بیمه‌شدگان اداره می‌شود؟

ت) هزینه بیمه بعهده سرمایه‌داران باشد؟

ث) کمک پزشکی و دارویی رایگان تحت کنترل انجمنهای خودمختار هزینه‌های بیماری‌کننده و ارکان مدیریت آن توسط کارگران انتخاب می‌شوند؟

۹) منع پرداخت مزدها به جنس تعیین روز مقرر پرداخت هفتگی بدون استثناء در همه کنتراتهای کار و پرداخت نقدی مزد و در ساعات کار.

۱۰) منع کسر مزدها توسط کارفرمایان بهر بهانه‌ها بهر منظوری (جریمه‌های و غیره).

۱۱) گماشتن تعداد مکفی بازرسان کارخانه در همه رشته‌های اقتصاد ملی و گسترش بازرسی کارخانه‌های به همه بنگاه‌ها بسی که کار اجرتی استخدام می‌کنند.

عامل بنگاه های دولتی ( خدمتخانه‌گی نیز در معرض بازرسی قرار گرفته‌بود )؟  
گماختن بازرسان زن در صنایعی که [ نیروی ] کار زن استخدام می‌شود؟ نمایندگان  
توسط کارگران انتخاب شده و از دولت حقوق می‌گیرند تا بر اجرای قوانین  
کارخانه و بر تعیین نرخها و قبول یا رد مواد خام و محصولات ساخته شده  
نظارت داشته باشند.

( تاحیس بازرسی کار که توسط سازمانهای کارگران انتخاب شده و بر برگرد  
نده همه بنگاه‌هایی باشند که کار اجرتی و همچنین مستخدمین خانگی استخدام  
میکنند ؟ گماختن بازرسان زن در بنگاه‌هایی که کار [گر] زن استخدام می‌شوند.

در آوریل - مه ۱۹۱۷ نوشته شد .  
 در ژوئن ۱۹۱۷ در جزوه مطالب مربوط  
به تجدیدنظر در برنامه حزب  
 منقصر شد .

کلیات - جلد ۲۱

انتشارات پریسوی و پتروگراد

## از «آیا بلشویکها میتوانند قدرت دولت را نگهدارند؟»

بما گفته میشود • پرولساریا دادر به راه انداختن دستگاه دولتی  
خواهد بود •

از انقلاب ۱۹۰۵ تا کنون • روسیه توسط ۱۳۰،۰۰۰ مملکت که مرتکب تعدیات  
بشماری بر علیه ۱۵۰،۰۰۰،۰۰۰ نفر شده اند • و سو استفاده های بی پروایی را بر مورد  
آنها اعمال کرده اند • و اکثریت وسیعی را به کار شای عمر انسانی و نیمه گرسنگی  
محکوم نموده اند - اداره مبنده است •

با اینحال ما گفته میشود که ۲۶،۰۰۰ اعضای حزب بلشویک قادر به حکومت  
روسیه • منفع فقرا و بر علیه ثروتمندان، نخواهند بود • هم اکنون ۲۶،۰۰۰ نفر  
توسط حداقل یک میلیون رأی جمعیت مالیه پشیمانی میشوند • چون این دقیقاً  
نسبت بین تعداد اعضا • حزب و تعداد رأی های داده شده برای حزبی است که با  
تجربه اروپا و تجربه روسیه - چنانکه مثلاً در انتخابات شورای شهر پتروگراد در  
اوت گذشته دیده شد - تثبیت شده است • بنا بر این ما هم اکنون « دستگاه دولتی »  
یک میلیون رأی را داریم که - بخاطر آینده آلهای والا و نه بخاطر رقم بزرگی که  
بر بهیتم هر ما • در باقت میدارد - وقف دولت سوسیالیستی شده است •

علاوه بر این ما « راهی حرآ میر » برای بسط دستگاه دولتی ما داریم  
که با ضربه های فوراً آنرا ده برابر میبازد • راهی که هیچ دولت سرمایه داری  
در اختیار نداشت با میخواست داشته باشد • این راه حرآ میر کساندن زحمتکشان •  
کساندن فقرا به کارورانه اداره دولت است •  
برای تشریح اینکه چه آسان این راه حرآ میر بکار خواهد رفت و چگونه  
بطور بی نقص اجرا خواهد شد • بگذارید ساده ترین و برجسته ترین مثال ممکنه  
را در نظر بگیریم •

دولت میخواهد برورجا سواد منحصی را از بین آبارنمان بیرون کرده و دیگری  
را جایگزین سازد • این اغلب در دولت سرمایه داری اتفاق می افتد • و همچنین در  
دولت پرولتاری سوسیالیستی ما نیز روی خواهد داد •

دولت سرمایه داری یک خانواده از طبقه کارگر را که نان آور غن را از دست  
داده و نمیتواند اجاره را بدهد بیرون میکند • ما سیر اجرا با پلیس • با میلیس • بر

شک جوجه کامل را آنها ظاهر میخورد. برای اجرای بیرون کردن [کسی] ریک محله کارگر-  
 شخیص اعوام بیک گردان کامل تراق سروری است. چرا؟ چون ما سر اجرا و مجلس  
 سرورین بدون نگارند ما می بیار توی امتیاح می کنید. آنها می مانند که صحنه  
 بیرون کردن، جمان حشی را در میان همان بنگان در میان هزاران هزار مردمی که  
 بیرونگاه، ناامیدی کشنده شده اند، بر می با بگیرد و موجب آنجمن نفرتی نسبت به  
 سرمایه داران و دولت سرمایه داری میشود که ما سر اجرا و جوجه مجلس در  
 خرنه با حشر قلمه نغمه شدن خود مواجه اند. قوای نظامی وسیع سروری است. چندین  
 هنگ باید تحت شهر بورت کسل شوند، و گردانها باید از توأحی دور افتاده و بیرونی  
 می باید ناسر باران بزدکی فقیرانه شهری آشنا نباشند، ناسر باران به سوسال بزم  
 - آلوده - نشوند.

دولت پرولتاری جمهوریات بزور خانواده خیلی فقیری را به آبارتمان  
 سرورینمندی انتقال دهد. اجازه بدهید فرض کنیم که جوجه ما از کارگران مجلس  
 - رست ۱۵ نفر است؛ ۲ ملاح ۲۵ سرباز، ۲ کارگر با آگاهی طبقاتی (که از ایندوه  
 فرض کنیم تنها بیست نفر عضو حزب ما با بیک سیمانه [ما] است)، یک روشنفکر و  
 ۵ نفر از زحمتکشان فقیر، که لااقل ۵ تن آنان باید زن معدمتگاران خانگی و  
 زحمتکشان با ماهر، و از این قبیل باشند. جوجه به آبارتمان مرد ثروتمند وارد می  
 شود، آسرا با زرمی میکند و سرمایه بد که آن از ۵ اطاق که در آن ۲ زن و ۲ مرد کنی  
 دارند تشکیل شده [میگوید] - شهروندان شما باید در این رستمان دردواغای بچوبیده  
 و دو اطاق را برای دو خانواده دیگری که اکنون در زیر زمین زندگی میکنند آماده  
 سازند. تا زمانی که بکمت مهندسی (شما مهندس هستید، اینطور نیست؟) شما  
 مشارک خوبی برای همه کسی با زرم، شما مجبور به کمی نمایی جا خواهی بود. نفع  
 شما در خدمت ده خانواده خواهد بود. بدین طریق صد ساعت وقت کار بیکه برای خرید  
 برای اسبیل هنر می رود، تعبیر خواهد شد. اکنون در خانواده شما دو نفر بیکارند  
 که در با تمام کار بیک هستند؛ بیست شهروند زن ۵۵ ساله و یک شهروند ۱۱ ساله.  
 آنها به ساعت در روز و شب به نارت به توزیع درست آذوقه و نگهداری حساب لازم  
 آسرا برای ده خانواده بعهده خواهند ناعت. شهروند دانشجو در جوجه ما اکنون  
 در روستا این دستور دولت را خواهد نوشت و شما محبت کرده بک اظهار نامه امانا  
 شده را که صادقانه اجرا خواهد نمود، بما بدهید.

بعقبده من ، ما این مقالهای برجسته نشان داده میشود که چگونه فرق بین دستگاه دولت بورژوازی کهنه و سوسیالیستی نوین و اداره دولتی ابعاد و مهی تواند تشریح کرده .

ما مخالفان سوسیالیسم . ما میدانیم که بنگ کارگر با ما هر . با بنگ آبخیز فوراً نمیتواند عمل اداره دولت را در دست بگیرد . در این مورد ما با کادنها ، با سرشکوفسکاها و با تشریحی موافقیم . معده ، اختلاف ما با این شهروندان در اینست که ما طرفدار احزاب فوری از این نظر متعصبانه هستیم که تنها شروتمندان با ما موافقان منصفانه اند و شروتمند نمیتوانند از عهده اداره دولت و اجرای کار [های] روزانه و معمولی اداره سرآیند . ما طالبیم که آموزش در کار [های] اداره دولتی توسط کارگران با آگاهی طبقاتی و سر بازان رهبری شود و این آموزش فوراً آغاز گردد ، بدین معنی که ، چنین آغازی برای آموزش همه کارگران ، همه افراد فقیر ، در این کار فوراً انجام پذیرد .

ما میدانیم که کادنها هم ما بل به آموزش دمکراسی مردم اند ، خاصها و کادنی ما بل هستند برای خدمتکاران خانگی در مورد نماوی حقوق زنان مطابق با بهترین منابع انگلیسی و فرانسوی سخنرانها کنند ، همچنین در دست بر آنتراکت کمسرت بعدی و مقابل هزاران حماره تبادل بوسه ها بی در روی سکو تر تمب داده میشود ، خانم سخنران کادنی بر شکوفسکا با رای میسوده ، بر شکوفسکا با وزیر سابق تشریحی را میسوده و بدین ترتیب مردمها گزارشی عینی از نسای و آراد و برادری جمهوریخواهان دریافت میدارند . بله ، ما موافقیم که کادنها ، بر شکوفسکاها و سرسی محرومان هواخواه دمکراسی هستند و آراد در میان مردم تنظیم میکنند ، ولی چه باید کرد وقتی که تشریح ما از دمکراسی تا حدودی با تشریح آنان فرق دارد؟

بعقبده ما ، برای بنگ کردن بار سنگین و معائب جنگ و همچنین بهمودی زحمای و دشمنی که جنگ بر مردم وارد ساخته ، دمکراسی انقلابی مورد نیاز است ، اقدامات انقلابی از نوعی که در مثال توزیع عادلانه [در] ستن سماع فقرات توضیح داده شد ، دقیقاً همان روشی باید هم در شهر و هم روستا برای توزیع آذوقه ، لباس ، بایبیه و غیره ، در مورد زمین در نواحی روستایی ، و از این قبیل ، اتخاذ گردد . ما این نحو ، برای اداره دولتی ما میتوانیم فوراً دستگاه دولتی را دایر نمائیم که اگر از ۲۰ میلیون نفر تشکیل نشده ، لا اقل از ده



میلیون نفر [که] میشود دستگاهی آنچنان که هیچ دولت سرمایه داری نداشته است .  
 تنها ما میتوانیم چنین دستگاهی را بوجود آوریم ، زیرا ما از همدردی شدید و  
 صادقانه اکثریت وسیع مردم ملتین هستیم . تنها ما میتوانیم چنین دستگاهی  
 را بوجود آوریم ، زیرا ما کارگران با آگاهی طبقاتی را داریم که با " مکتب "  
 نوینی سرمایه داری دیسپلین یافته اند ( بیخود نبود که ما برای آموزش بمکتب  
 سرمایه داری رفتیم ) ، کارگرانی که قابلیت تشکیل مجلسی کارگران و گسترش  
نسری آنرا ( با آغاز گسترش فوری ) به مجلسی یکه همه مردم را دربرمیگیرد  
 دارا میشوند . کارگران با آگاهی طبقاتی باید رهبری نمایند ، اما برای کار  
 اداره [دولت] آنها میتوانند توده وسیع زحمتکشان و ستمدیدگان را خام نویسی  
 کنند .

بدیهی است که این دستگاه نوین دربرداشتن گامهای نخستین از  
 مرتکب اشتباهاتی میشود . اما آیا دهقانان مرتکب اشتباهاتی شدند زمانیکه  
 از سرازیر بیرون آمدند و شروع با اداره امور خویش کردند ؟ آیا راه دیگری  
 جز پراتیکی که مردم توسط آن میتوانند حکومت بر خویش را بسازند و از  
 اشتباهات اجتناب ورزند وجود دارد ؟ آیا راه دیگری بجز اقدام فوری برای  
 خود مختاری اصل توسط مردم وجود دارد ؟ اکنون نکته اصلی اینست که این  
 مدر تعصب آمیز بورژوازی - روشنفکرانه را که تنها محوران خصوصی ، که بسا  
 موقعیت اجتماعی شان کاملاً وابسته به سرمایه اند ، میتوانند دولت را اداره  
 نمایند ، رها نکنیم . نکته اصلی اینست که با وضوح و احوالی خاتمه دهیم  
 که در آن ما محوران بورژوازی و وزیرای " سوسیالیستی " میکنند تا بطریق کهنه  
 حکومت کنند ، ولی قادر بانجام آن نمیشوند و بعد از ۲۰ سال با خویش دهقانانی  
 در منطقه دهقانی روبرو میگردد . نکته اصلی اینست که مردم ستمدیده و کارگر  
 را از اعتماد به قدرت دهقانان اجتناب سازیم ، در پراتیک ما آنها ثابت کنیم که  
 آنها نمیتوانند و باید خودشان توزیع مناسب ، باغد نسیم و ترتیب نان ها انواع  
 غذا ، خیر ، بهوعاک ، مسکن و غیره را بمنفعه فقرا بعهده بگیرند . این کار باید  
 انجام پذیرد و الا روسیه نمیتواند از تلخی و انهدام نجات یابد . این عمل منصفانه  
 حیران کننده و عمومی که کار را باره را به پرولتاریا و نیمه پرولتاریا می چارده چنان  
 شور انقلابی بی سابقه ای را در میان مردم برمواهد انگیزت که قوای مردم را در

مبارزه با محاسب چند برابر خواهد کرد، تا آنجا که آنچه برای قوای کونیه -  
 نظر، کهنه و بوروکراتیک ما غیر ممکن بنظر میرسد، از نظر میلیونها نفر که برای  
خوبیتن و نه برای سرمایه داران، منفذین و بوروکراتها، و نه بخاطر ترس  
 از مجازات، شروع بکار خواهند نمود، ممکن خواهد شد.

\* \* \*

آنها از مقاومت سرمایه داران ترسیدن و هنوز خوبش را انقلابی خواندن، [و]  
 آرزوی قلمداد شدن بعنوان يك سوسیالیست، غم آور نیست؟ تا چه حد سوسیا-  
 لیزم بین المللی، که توسط اپورتونیزم فاسد شده، با ایداز نظر ابدولوزبکی  
 تنزل کرده بساعد که چنین صفاها بی را بتوان [از آن] شنید!  
 ما قبلا قدرت مقاومت سرمایه داران را دیده ایم و همه مردم آنرا دیده  
 اند، چون سرمایه داران بیشتر از طبقات دیگر آگاهی [به] طبقه [خود] دارند و  
 و فوراً اهمیت خوراها را تشخیص دادند و فوراً همه کوششان را با شدت بکسار  
 بردند، بهر چیزی متصل شدند و بهر رنگی سرآمدند، به باور نکردنی ترین دروغها  
 و تهمتها و به نوطه های نظامی متصل گفتند تا خوراها را ماهوس کنند  
 آنها را بصفر کاهش دهند، آنها را بخود فروشی بکشانند (بکمک منشویکها و  
 سوسیال - رولوسپونرها<sup>۲۱</sup>)، آنها را به دکانها و حرفه ای تبدیل نمایند و  
 دهقانان و کارگران را با گفته های توخالی و بازه های انقلابی نما ماهها و ماهها  
 فرسوده کنند.

گرچه، ما هنوز قدرت باینداری پرولتاریا و دهقانان فقیر را ندیده ایم،  
 چون چنین قدرتی تنها زمانی کاملاً هویدا میشود که قدرت پرولتاریا  
 با عده زمانی که آنها میلیون مردمیکه در اثر احتیاج و بردگی سرمایه داری غم-  
 نده انداز [روی] تجربه بیبندند و احساس کنند که قدرت دولت بدست طبقات  
 ستمدیده افتاده است، که دولت به فقیران در جنگ با ملاکان و سرمایه داران  
 کمک میکند و مقاومت آنها را سرهم میشکند. تنها آنزمان است که ما خواهیم  
 دید چه قدرتهای پایداری بگری بر علیه سرمایه داران در میان مردم پنهان  
 است، تنها آنزمان است که آنچه انگلس "سوسیالیزم پنهان" نامید خودترا  
 آشکار خواهد ساخت. تنها آنزمان، برای هرده هزار ضمن بیان و پنهان

عدهٔ حکومت طبقه کارگر - که خود را بطور فعال با مقاومت منفسی آشکار  
مبارزه میکنند بکامیلین رزمنده جدید برخوردارند، هاست که از نظر سیاسی خود بوده اند  
در زجره فقر و محبت میجویند و با اینکه آنها انسان هستند و اینکه  
حق زیستن دارند و اینکه آنها نیز میتوانند از تمام عظمت دولت متمرکز مدرن  
منتفع شوند و اینکه بسیاری [متشکل] آنها در میلیونی پروتاری میتوانند و بنا  
اعتقاد کامل آنها را هم برای حرکت روزانه و فروری و مستقیم در اداره دولت  
دعوت نماید و جاور ندانند.

سرما میداران و حاکمان و با استیاری نیکخواهانها نه تنها خود و بر شوکتها با  
سرنلی هیرغف و خرگاه هرچه در خیرتشان بوده برای لوت جمهوری دمکراتیک و  
سرای لوت آن با تحکیم از ثروت انجام داده اند و بعدیکه مردم گرفتاریهای احساسی  
و بی تفاوتی شده اند برای آنها همه یکی هستند زیرا مردم گرفته نمیتوانند  
تفاوتی بین جمهوری و سلطنت ببینند و سرباز حسته با بیرحمی و بیخ کرده که زندگیا  
را فدای منافع اجنبی میکنند قادر نیست جمهوری را دوست بدارد.

اما زمانیکه هر زمینگر و هر کارگر بیکار و هر آهیزه هر دهقان خانه -  
خراب با چشمان خود و نه از طریق روزنامه ها میبینند که دولت پروتاری به ثروت  
تعلیم نمیکند بلکه فقرا را کمک نمینماید و که چنین دولتی در بکار برین  
اقدامات انقلابی تردید نمیکند و که موجودی آنوقت و اضافه انگلی را محاسبه  
کرده و آنرا در میان گرسنگان توزیع نمینماید و که بیوز بی خانمان را در منازل  
تروتمندان جای میدهد و که ثروتمندان را مجبور به پرداخت [پول] عمر میکند و اما  
تا بیهوده و همه خانوادها و فقیر جا اندازه کافی [شهر] دریافت نکنند قطره ای  
بآنها نمیدهد و که زمین به زمینکها انقتال میباید و کارخانها و بانکها  
نحت کنترل کارگران قرار میگیرد و مجازات سخت و فوری به میلیونها می کشد  
ثروتمندان را بیضهان مبارزه تحلی میگیرد - زمانیکه نهیستان امرا میبینند  
و احساس میکنند و هیچ قدرت سرخا به تباری با کولاجی و هیچ قدرت سرخا به مالی  
جهانی که هزاران میلیون مبارزه و نمیتواند بر انقلاب مردم پیروز گردد - بر  
عکس انقلاب سوسیالیستی در تمام جهان پیروز خواهد شد چون در همه کشورهای  
در حال بلوغ است.

انقلاب ما حکمت ناپذیر خواهد شد اگر از خود نفرتد ما اگر همه قدرت را

پرولتاریا منتقل کند • چون بیشتر ما نیروهای جهانی پرولتاریا و که  
 نور غیرقابل مقایسه‌ای بزرگتر • پیشرفته‌تر • و متشکل‌تر اند ایستاده‌است  
 موقتا در جنگ مدیعی نداشته شده اما منهدم نشده بودند [بلکه] برعکس •  
 گچندبرابرمان کرده‌است •

در آخر سبقتا مجر - اول (۱۴) اکتبر ۱۹۱۷  
 نوشته شده • در مجله "پرووش چنیسه"  
 شماره ۱-۲ • اکتبر ۱۹۱۷ منتشر شد •

• کلیات • • جلد ۲۶

## سخنرانی در نخستین کنگره تمام-روسی

زنان کارگر، ۱۹ نوامبر ۱۹۱۸ ۲۲

رفقا، این کنگره بخت زنان ارتزکارگران، از جهت معینی اهمیت خاصی دارد، چون یکی از سختترین مسائل در هر کشوری کثافتن زنان به فعالیت بوده است. هیچ انقلاب سوسیالیستی نمیتواند وجود داشته باشد مگر زنان کارگر بسیار زیادی در آن وسیعانه شرکت کنند.

شکفت نیست که زنان را بردگان خانگی مینامند؛ موقیبت اجتماعی زنان در همه کشورهای متقدم، حتی پیشرفتهترین آنها چنین است. زنان از برابری کامل حقوق در هیچ دولت سرما به داری معنی آزادترین جمهورها بهره مند نمیشوند. یکی از اولین وظایف جمهوری شوروی العالی همه محدودیتها در مورد حقوق زنان مبیاعد. حکومت شوروی مراسم طلاق، آن منبع خفت، سرکوب و تحقیر بورژوازی را کاملاً منسوخ کرده است.

بزودی یکسال از تصویب آزادی کامل طلاق خواهد گذشت. ما مصوبه‌ای برای از بین بردن همه تمايزات بین کودکان مشروع و نامشروع و بدورانداختن برخی محدودیتها و سبای گذراندهیم. در هیچ جای دیگر دنیا آزادی و برابری برای زنان کارگر چنین کامل تأمین نشده است. ما میدانیم که این زنان طبقه کارگرند که مجبور به تحمل تمام فشارقوانین عتیقه شده هستند.

برای نخستین بار در تاریخ، قوانین ما آنچه را که منکر حقوق زنان بود نابود کرده است. اما چیز مهم قانون نیست. در شهرها و مناطق صنعتی این قانون در مورد آزادی کامل ازدواج بخوبی اجرا میشود اما در روستاها اغلب نوشته‌مردهای باقی میماند. در آنجا ازدواج منعی هنوز سلطه است. این بدلیل نفوذ کثیثان، بلایی که نبرد با آن سخت‌تر از [نبرد با] قوانین کهنه است، میباشد.

ما باید در مبارزه با تعصبات منعی فون العاده احتیاط کنیم؛ بعضی افراد با توهین به احاسات منعی موجب زبانه‌های زیادی در این مبارزه میگردند. ما باید تبلیغ و تعلیم را بکار ببریم. با بکار بردن لیه بیش از اندازه تمیز برای این مبارزه ممکنست آنها غم عمومی را برانگیزیم. چنین شیوه‌ها و مبارزه، بسته‌بندی

مردم را بخاطر معیبه منهبی دائمی میبازد و سر حالیکه قدرت مادر وحدت نهفته است .  
عمیق ترین تعصبات منهبی در فئرو جهالت است . با این پلیدیهاست که باید مبارزه  
کنیم .

تا کنون مقام زنان ما بردگان مقایسه شده است ؛ زنان بهمانه با بیفندوده اند  
و تنها سوسا لیزم مهنوا بد آنها را از این منده برهانده آنها تمها زمانی کا ملا رهسا  
خواهند گشت که ما بتوانیم از مزارع کوچک دهفانی علفن شده ، به زراعت تعاونی  
پرداخته و شیوه های کالکشیو را در کار روز زمین سگار بریم . این وظیفه منکلی است .  
اما اکنون که کمپنه های دهفانان فقیر<sup>۲۳</sup> تشکیل میشوند رهسار آن فرار سیده که  
انقلاب سوسا لیستی تحکیم پیدا کند .

فقیرترین بخش جمعیت روستایی تمها اکنون آغاز به سازماندهی میکنند  
اما سوسا لیزم در حال بنست آوردن میان منکلی در این سازمانها و دهفانان فقیر  
است .

قبلا ، اغلب شهرانقلابی میشد و بعد مناطق روستایی . اما انقلاب کنونی  
منکی به مناطق روستایی است و در اینجا اهمیت و قدرت نهفته است . تجربه همه  
جنبش های آزاد بیخشن نشان داده است که موفقیت يك انقلاب منکی برا بنسنگه جهانداره  
زنان در آن شرکت محبوبند . حکومت شوروی هر آنچه در قدرت تراست انجام میدهد تا زنان  
بنوانند به کار سوسا لیستی پرولناری مستقل بپردازند .

حکومت شوروی در موقعیت منکلی است زیرا امیر بالیسنهای همه کشورها از روسیه  
شوروی نفرت دارند و برای جنگ با او ، معاطر سرا فروختن آنها انقلاب در عده ای از کشورها  
و اتحاد قدمهای مسیم بسوی سوسا لیزم ، آماده میشوند .

اکنون که آنها مصمم به ما بودی روسیه انقلابی هستند ، زمین رهسار یخونشان  
آغاز بسوختن میکند . شما میدانید چگونه منسرا انقلابی در آلمان گسره میشود . در  
دانمارك کارگران ما دولتشان میکنند . در هلند و سوئیس منسرا انقلابی قوی تر میشود .  
مرد جنبش انقلابی بنسها بی در این کشورها ی کوچک اهمیت چندانی ندارد اما اهمیت  
خاص آن بحالرا بنسنگه در این کشورها جنگی نمود و آنها دمکرا نیک ترین منسرا منسرا  
طه را داشتند . اگر چنین کشورها بی برای فعالیت بطروهی در میآینده این مارا به  
نفوذ جنبش انقلابی در سراسر دنیا معطش میبازد .